



Islamic formulation of science based on the collective Study of Islamic Philosophers

Hossein Gholipour¹ | Morteza Javanali Azar² | Seyed Mojtaba Emami³

1. PhD Candidate of decision making and public policy at Imam Sadiq University., Tehran, Iran.

Email: gholipour@isu.ac.ir

2. Assistant Professor, in Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University Tehran, Iran.

Email: javanali@isu.ac.ir3. Assistant Professor, Department of Public Policy, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: emami@isu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 27 April 2023

Received in revised form: 27
May 2023

Accepted: 31 May 2023

Published online: 31 May
2023**Keywords:**

Science Policy, Science

Formulation, Islamic

Formulation, Islamic

Thinkers, Collective Reading.

ABSTRACT

Sometimes, the research conducted in the field of “Science Policy” employs an experimental methodology and investigates and report the relationship between variables. On occasion, they have utilized a theoretical approach and intellectual foundations to provide answers to queries in the field of science policy. In the interim, the examination of Islamic thought regarding science is a topic requiring scientific analysis. While Islamic thought places a large emphasis on science, it has a unique perspective on it. Therefore, the fundamental issue is how Islamic thought formulates science. Based on the opinions of three thinkers (Imam Khomeini, Martyr Motahari, and Ayatollah Khamenei) and using the method of thematic analysis with an inductive-deductive approach, it was first attempted to formulate the views of each of these three thinkers, and then, through their collective reading, an Islamic formulation of science was derived. Multi-level knowing presents the same epistemological view of science. The emphasis on the independence, self-sufficiency, and authority-creation of science as the objective of science leads to the identification of “intellectual and scientific reference,” “strong economic system,” and “honorable social political system” as the dimensions of science in social life. Emphasizing the ethics of science and promoting the duality of education and self-purification, and lastly, believing in maximum communication in scientific relationships and a placeless science. There are a number of concepts and commonalities common among the philosophers who formulated the Islamic formulation of science.

Cite this article Gholipour, H., Javanali Azar, M., & Emami, S. M. (2023). The formulation of science policy based on the collective reading of Islamic revolution thinkers. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 13(1):1-21.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.354798.1591>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.354798.1591>

صورت‌بندی سیاست علم مبتنی بر خوانش جمعی متفکران انقلاب اسلامی*

حسین قلی پور^۱ | مرتضی جوانعلی آذر^۲ | سید مجتبی امامی^۳

۱. دانشجوی دکتری تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. رایانامه: gholipour@isu.ac.ir
۲. استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. رایانامه: javanali@isu.ac.ir
۳. استادیار گروه خط‌مشی‌گذاری عمومی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. رایانامه: emami@isu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه «سیاست علم» گاهی خصلتی تجربی دارند و نسبت بین متغیرها را کاوش و گزارش کرده‌اند و گاهی خصلتی نظری دارند و مبتنی بر مبانی فکری، پاسخ‌هایی به پرسش‌های حوزه سیاست علم داده‌اند. در این میان، بررسی اندیشه اسلامی درباره علم، موضوعی است که نیازمند واکاوی علمی است. اندیشه اسلامی ضمن تأکید فراوان بر علم، نگاه ویژه‌ای نیز به آن دارد. از این‌رو مسئله اساسی این است که علم در اندیشه اسلامی چگونه صورت‌بندی می‌شود تا مبنای سیاست علم در کشور باشد. در این پژوهش، با مبنا قراردادن دیدگاه‌های سه متفکر (امام خمینی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای) و با استفاده از روش تحلیل مضمون با رویکرد استقرایی-قیاسی، دیدگاه‌های هر یک از این متفکران صورت‌بندی و در نهایت با خوانش جمعی آن‌ها یک صورت‌بندی اسلامی از علم حاصل می‌شود. ارائه تلقی معرفت‌شناسانه یکسان از علم، ذومراتب‌دانستن آن، تأکید بر استقلال، خودکفایی و اقتدارآفرینی علم به‌عنوان مبنا و غایت علم که به ترسیم «مرجعیت فکری و علمی»، «نظام اقتصادی قوی» و «نظام سیاسی-اجتماعی عزت‌مند» به‌عنوان ابعاد علم در حیات اجتماعی منجر می‌شود، جنسیت‌بردار نبودن تحصیل علم، شریف‌دانستن علم، واگذار نکردن کامل آن به مناسبات بازار، مسئول‌دانستن حکومت دینی در قبال علم، تأکید بر اخلاق علم، پیشبرد توأمان تهذیب و تحصیل و در نهایت قائل شدن به ارتباطات حداکثری در مراودات علمی و بی‌مکان‌دانستن علم، از جمله مفاهیم و نقاط اشتراک متفکران است که صورت‌بندی اسلامی علم را به‌وجود آورده‌اند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰	
کلیدواژه‌ها: خوانش جمعی، سیاست علم، صورت‌بندی اسلامی، صورت‌بندی علم، متفکران اسلامی.	

استناد: قلی پور، حسین؛ جوانعلی آذر، مرتضی؛ امامی، سید مجتبی. (۱۴۰۲). صورت‌بندی سیاست علم مبتنی بر خوانش جمعی متفکران انقلاب اسلامی. فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۳(۱): ۱-۲۱. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.354798.1591>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.354798.1591>

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول است.

۱. مقدمه

توسعه علم و ارائه دستاوردهای شگفت‌آور آن به‌خصوص در قرن اخیر، علم را به کانون توجهات اندیشمندان از یک‌سو و سیاست‌گذاران دولتی از سوی دیگر تبدیل کرده است. البته علم و گستره آن، ماهیت و روش آن، طبقه‌بندی علم و مسائلی از این قبیل همواره مورد توجه اندیشمندان است. اما دستاوردهای جدید علم و بروز قدرت‌نمایی بیش از پیش علم، پرسش‌های جدیدی همچون گستره مورد قبول علم، محدوده‌های مجاز پژوهشگر، اخلاق علم و فناوری، خوبی و بدی علم و... را پیش‌روی اندیشمندان قرار داد. از سوی دیگر، سیاست‌گذاران که به‌دنبال استفاده حداکثری از علم و دستاوردهای آن هستند، کلان‌مسئله رابطه علم و دولت، توجه آن‌ها را جلب کرد تا بتوانند با پیدا کردن نقطه بهینه این رابطه، قدرت حکمرانی خود را به بالاترین سطح برسانند. تمرکز بر این کلان‌مسئله و پژوهش درباره آن به‌تدریج به شکل‌گیری یک حوزه جدید علمی با عنوان «سیاست علم» انجامید. سؤالات این حوزه علمی، مطلوب بودن یا نبودن دخالت دولت در علم، میزان مداخله، نحوه تأمین مالی علم، نسبت علم و جنسیت، چگونگی ارتباطات علمی و تأثیر آن در باروری علمی، انتقال فناوری و... است؛ برای نمونه، پولانی با طرح مفهوم «جمهوری علم» از استقلال کامل نهاد علم دفاع کرده و مدعی شده است اصحاب علم و جامعه علمی باید مناسبات خود را تعیین کنند (Polanyi, Ziman, & Fuller, 1962). در مورد نحوه تأمین مالی پژوهش (بودجه دولتی یا بودجه بخش خصوصی و بازار) و اثر آن در استقلال نهاد علم، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است (Rip & Van der Meulen, 1997; Jasanoff, 1997). همچنین درباره نسبت علم و جنسیت و پرسش از میزان مشارکت زنان در علم، گزارش‌ها و پژوهش‌های مختلفی ارائه شده است؛ برای نمونه، سارا دلامونت در این زمینه پژوهش نسبتاً مفصلی انجام داده است (Delamont, 1989).

۲. بیان مسئله

پژوهش‌های انجام‌شده، گاه خصلتی تجربی دارند و نسبت بین متغیرها را کاوش و گزارش کرده‌اند. گاهی نیز خصلتی نظری دارند و مبتنی بر مبانی فکری به پرسش‌های حوزه سیاست علم پاسخ داده‌اند. در این میان، بررسی اندیشه اسلامی درباره علم، به واکاوی علمی نیاز دارد. اندیشه اسلامی ضمن تأکید فراوان بر علم، نگاه ویژه‌ای به آن دارد. از این‌رو مسئله اساسی این است که علم در اندیشه اسلامی چگونه صورت‌بندی می‌شود تا مبنای سیاست علم در کشور باشد. برای پاسخ به این مسئله اصلی، کاوش اندیشه متفکران اسلامی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم نشان‌دهنده اندیشه اسلامی باشد. از این‌رو، سؤالات زیر برای پاسخ به مسئله اصلی باید پاسخ داده شود:

۱. علم در اندیشه هریک از متفکران اسلامی چگونه صورت‌بندی می‌شود؟
۲. مؤلفه‌های زیر چگونه در خوانش جمعی اندیشه متفکران اسلامی صورت‌بندی می‌شوند؟
 - الف) مبانی کسب علم (علم با چه غایتی دنبال می‌شود تا سیاست علمی برآورده‌کننده آن باشد)؛
 - ب) مختصات علم و ابعاد کلان آن؛
 - پ) نسبت علم و جنسیت؛
 - ت) اقتصاد و نحوه تأمین مالی علم؛
 - ث) اخلاق علم؛
 - ج) ارتباطات علم.

این پرسش‌ها ضمن اینکه امکان پاسخگویی را در خوانش جمعی دارند، پاسخ‌های آن‌ها در کنار هم می‌تواند نظریه‌ای اسلامی از علم را برای سیاست علمی کشور به ارمغان بیاورد.

۳. پیشینه پژوهش

پرداخت فراوان آیات و روایات اسلامی به علم، آن را به مسئله‌ای پراهمیت برای پژوهش تبدیل کرده است. به همین خاطر، علم از زوایای مختلفی پژوهش شده است. گاه این موضوع مطالعه شده است که اسلام به‌عنوان یک مکتب چه علمی را به‌طور مستقیم به‌وجود آورده و آنچه به‌عنوان علوم اسلامی مطرح شده است، چه مختصاتی دارد (دوانی، ۱۳۴۴؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۲)^۱. گاه نیز موضوع کاوش علم در اسلام است و دستورهای اسلام در دعوت به علم تبیین شده است. ثقفی (۱۳۸۰) با گردآوری آیات و روایاتی که به علم و علم‌آموزی دعوت می‌کنند، تلاش کرد تا ارزش علم و حکمت و به‌طور کلی ارزشمندی علوم را نشان دهد. البته تأکید اسلام بر علم‌آموزی موجب ورود چشمگیر مسلمانان در عرصه‌های مختلف علمی شده است. از این‌رو، یک دسته از پژوهش‌ها نقش دانشمندان مسلمان در پیدایش و گسترش علوم را موضوع پژوهش‌های خود قرار داده‌اند. سیدحسین نصر (۱۹۶۸) با انتشار کتاب *علم و تمدن در اسلام*، یکی از جامع‌ترین پژوهش‌ها را در این زمینه انجام داد. او در فصول مختلف، سهم یاری دانشمندان مسلمان در علوم مختلف مانند ریاضیات، فیزیک، نجوم، پزشکی، علوم انسانی، هیئت، جغرافیا، فلسفه و... را تبیین کرد. پژوهشگران دیگری نیز پژوهش‌های خود را بر برخی از رشته‌های علمی مانند طب و نجوم متمرکز کردند (مفتح، ۱۳۴۲؛ قربانی، ۱۳۸۴).

طرح مسئله تعارض علم و دین در مغرب‌زمین، موضوع رابطه علم و دین در اسلام را به یکی از مسائل مورد توجه پژوهشگران تبدیل کرد و پژوهش‌های فراوانی در این زمینه انجام گرفت. این پژوهش‌ها معمولاً با دعوت قرآن و احادیث به علم‌آموزی و تفکر در طبیعت تلاش کرده‌اند تا نشان دهند نه تنها تعارضی بین این دو نیست، بلکه آدمی به هر دو نیازمند است (قنبری همایکوه، فیاض، ایمانی نائینی و صالحی، ۱۳۹۷). همچنین اندیشمندان غربی با طرح برخی از نظریات معرفت‌شناسانه درباره ماهیت علم و کیفیت پیدایش آن موجب شد تا اندیشمندان مسلمان به‌طور مفصل‌تری به موضوع معرفت‌شناسی بپردازند و پژوهش‌هایی را در این زمینه منتشر کنند (مطهری، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰) و گاهی به فلسفه برخی از علوم بپردازند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵). علاوه بر این، ابتدای برخی از نظریات علوم انسانی بر مبانی مدرنیستی و همچنین جهت‌مندیدن مقوله فناوری، مسئله نسبتاً جدیدی با عنوان «علم دینی» را پیش‌روی اندیشمندان مسلمان قرار داد. هدف پژوهشگران این است که موضوع مختصات علم اسلامی در نظریات اندیشمندان را برشمارند (سوزنچی، ۱۳۸۹؛ موسوی، ۱۳۹۴) و نسبت دین با فناوری را تعیین کنند (میرباقری، ۱۳۹۴).

در این میان، آنچه توجه ناچیزی به آن شده، مؤلفه‌های سیاستی علم است که می‌تواند مبنای نظری مناسبی برای حوزه «سیاست علم» کشور باشد. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد مؤلفه‌هایی همچون مبنا و غایت علم در نظام حکمرانی، مختصات علم -ویژگی‌های مورد نظر از دانش علمی به‌عنوان نقطه تمرکز سیاست علم- و ابعاد کلان آن به‌خصوص با رویکرد خوانش جمعی متفکران اسلامی همچنان نیازمند کنوکاو علمی است.

۴. مفاهیم اساسی

تعاریف مختلفی از علم، سیاست علم و دیگر مفاهیم اصلی پژوهش ارائه شده که برای شفاف‌سازی معنای آن‌ها در این پژوهش مقصود از آن‌ها ارائه می‌شود.

۱. منابعی که در گزارش پیشنی مورد استناد قرار می‌گیرند، صرفاً به‌عنوان شاهد بیان می‌شوند، وگرنه فهرست پژوهش‌های هر دسته بسیار زیاد است.

جدول ۱. تعریف مفاهیم اساسی پژوهش

ردیف	مفهوم	معنای مدنظر
۱	علم	گزاره‌هایی دربارهٔ محور واحد (موضوع/غایت) که شامل شاخه‌های مختلف از علوم طبیعی تا انسانی و فنی مهندسی می‌شود.
۲	سیاست علم	حوزهٔ علمی که بر کلان‌مسئلهٔ رابطهٔ علم و دولت متمرکز است و به پرسش‌هایی مانند دخالت یا دخالت‌نکردن دولت در علم، میزان مداخله، نحوهٔ تأمین مالی علم و... می‌پردازد.
۳	خوانش جمعی	شناسایی مباحثی از متفکران اسلامی که مشترک است یا محل اختلاف جدی نیست یا در بیان متفکر دیگر مسکوت است، اما قابلیت جابجایی در اندیشهٔ ایشان را دارد.
۴	صورت‌بندی	ارائهٔ روایتی سراسر از مؤلفه‌های نظری یک مقوله و تبیین روابط میان آن‌ها.

۵. روش پژوهش

۵-۱. فرایند کلی پژوهش

پژوهش حاضر با واکاوی اندیشه و آثار سه متفکر انقلاب اسلامی (امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، شهید مطهری رحمه‌الله‌علیه و آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله‌تعالی) و خوانش جمعی صورت‌بندی‌های مجزای به‌دست‌آمده، به یک صورت‌بندی منسجم از اندیشهٔ اسلامی در باب علم دست پیدا می‌کند؛ صورت‌بندی منسجمی که حاکمیت اسلامی باید در سیاست‌گذاری علم خود به آن توجه و آن را اجرا کند. علت انتخاب سه اندیشمند مذکور اول از همه این است که هر سه اندیشمند، از رویکرد جامع‌نگر به علوم اسلامی برخوردارند و دوم آنکه تفکرات و اندیشهٔ آن‌ها مبنای تأسیس و پیش‌برد انقلاب اسلامی است. منظور از تبیین نظام‌مند نیز گردآوری داده‌های مندرج در آثار این سه اندیشمند مبتنی بر یک چارچوب است که مؤلفه‌های آن، نقش سؤالات را در مواجهه با آثار این سه اندیشمند ایفا می‌کند.

ماهیت	<ul style="list-style-type: none"> جیستی علم تعریف فلسفی علم و تمایز با نظرات رقیب نسبت علم و دین جایگاه علم تجربی در هندسهٔ معرفت دینی
غایت	<ul style="list-style-type: none"> برون‌دادهای علم و عالمان رسالت و اهداف علم رسالت علم در شاخه‌های مختلف
سیاست	<ul style="list-style-type: none"> نسبت جامعهٔ علمی و حکومت دخالت در جامعهٔ علمی، آری یا خیر؟ استقلال نهاد علم، کامل یا مشروط؟
اقتصاد	<ul style="list-style-type: none"> نحوهٔ تأمین مالی علم بازاری‌شدن علم دولتی‌بودن علم راه میانهٔ علم در نسبت با بازار و دولت
اخلاق	<ul style="list-style-type: none"> استانداردها و هنجارهای اخلاقی علم محدودهٔ اخلاقی پژوهش رسالت اخلاقی عالم
ارتباطات	<ul style="list-style-type: none"> ارتباطات جامعهٔ علمی ارتباط دانشمندان با دانشمندان سایر رشته‌ها ارتباط جامعهٔ علمی با جامعه

نمودار ۱. چارچوب اولیهٔ تبیین نظام‌مند دیدگاه متفکران انقلاب اسلامی

نمودار ۱ چارچوب اولیه برای جست‌وجوی داده‌های مرتبط در آثار اندیشمندان است که پژوهشگران آن را مبتنی بر اجزای صورت‌بندی علم ایجاد کرده‌اند، اما با توجه به رویکرد قیاسی-استقرایی پژوهش، امکان تغییر و توسعه آن طی پژوهش وجود داشته است. همچنین مؤلفه‌های این چارچوب فراتر از سوالات پژوهش در خوانش جمعی قرار داده شدند تا بتوان به نگاهی نظام‌مند و نسبتاً عمیق از متفکر رسید تا خوانش جمعی با استحکام بیشتری صورت بگیرد.

۶. مبانی کلی پژوهش

هدف پژوهش حاضر، ترسیم صورت‌بندی اسلامی علم است که با واکاوی اندیشه متفکران اسلامی درمورد علم به‌دست آمده است. این پژوهش ماهیت اکتشافی دارد؛ زیرا این صورت‌بندی از قبل موجود نبود که بخواهد توصیف یا تبیین شود. همچنین پژوهش از نظر جهت‌گیری، بنیادی است که با رویکرد قیاسی-استقرایی و با صبغه کیفی صورت گرفته است؛ زیرا داده‌های مورد تحلیل، کیفی هستند.

۷. مطالعه اسنادی، شیوه گردآوری داده‌ها

با توجه به اینکه صورت‌بندی علم از آثار اندیشمندان اسلامی به‌دست می‌آید، شیوه گردآوری داده‌ها، مراجعه به آثار و به عبارتی مطالعه «اسناد و مدارک» خواهد بود؛ بنابراین جست‌وجوی مباحث حوزه موضوعی علم در آثار اندیشمندان که معمولاً به‌صورت مکتوب درآمده‌اند، صورت خواهد گرفت.

۸. تحلیل مضمون، راهبرد تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌های مرتبط، برای تحلیل داده‌ها از راهبرد تحلیل مضمون استفاده می‌شود. با توجه به اینکه سنخ داده‌ها کیفی است، روش تحلیل آن‌ها نیز باید روش کیفی باشد. از میان روش‌های کیفی نیز با توجه به هدف پژوهش که استخراج مفاهیم و مضامین مربوط به صورت‌بندی علم است، تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی - که هرکدام هدف دیگری دارند و در مواجهه با مسئله و شرایطی خاص به‌کار گرفته می‌شوند - تناسب بیشتری دارد. درنهایت برای تنقیح صورت‌بندی نگاه اندیشمند اسلامی، لازم است رویکرد «استقرایی-قیاسی» به‌کار رود.^۱

۸-۱. صورت‌بندی دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در باب علم

۸-۱-۱. مراحل طی شده

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه اثر یا نوشتاری مجزا درباره علم ندارند که اندیشه ایشان را در این‌باره نشان بدهد، اما به‌صورت پراکنده و به تناسب با موقعیت‌های مختلف در این‌باره سخنانی ایراد کرده‌اند یا نکاتی را نوشته‌اند؛ بنابراین لازم است با سیر در آثار ایشان صورت‌بندی مدنظر به‌دست بیاید. از این‌رو، ضمن مرور آثار نوشتاری ایشان و شناسایی مطالب مرتبط، به مجموعه آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه نیز رجوع شد و از طریق کلیدواژه «علم» مطالب مرتبط در آثار ایشان شناسایی شد.^۲ درنهایت پس از جمع‌آوری حداکثری داده‌ها از منابع، داده‌ها به روش تحلیل مضمون با راهبرد قیاسی-استقرایی کدگذاری و تحلیل شدند.^۳

۱. این رویکرد در کنار سایر رویکردهای پژوهشی چون «استقرایی»، «قیاسی» و «تطبیقی» در بیاز پژوهش تصریح شده است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۴).

۲. کتاب دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (ره) بسیاری از مطالب مرتبط با موضوع علم و دانشگاه در آثار امام را پوشش می‌دهد.

۳. جست‌وجوی کلیدواژه علم در مجموعه آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه ۵۱۱۱ نتیجه داشت که همگی بررسی شدند، اما بخش عمده‌ای از عبارات حاوی این کلیدواژه به صورت‌بندی علم کمک نکردند؛ مثلاً بخشی از نتایج، لفظ «عَلْم» و «علم» به معنای اطلاع، آگاهی و... بودند.

جدول ۲. تحلیل مضمون‌گزیده‌ای از دیدگاه امام خمینی (ره)

ردیف	بریده متن	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱	علم حصولی عبارت است از صورت شیء که حاصل برای شیء دیگر است (خمینی، ۱۳۹۲: ۳۸۹).	صورت شیء نزد نفس	تعریف فلسفی علم	ماهیت علم
۲	باید کوشش در راه علم و به‌دست‌آوردن تخصص در رشته‌های مختلفه اساس فعالیت دانشجویان عزیز باشد... شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید... و از اتکال به اجانب بپرهیزید و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۸۰).	خودکفایی و استقلال	رسالت و اهداف علم	غایت علم
۳	دانشگاه را باید شما رو به خدا ببرید، رو به معنویت ببرید و همه درس‌ها هم خوانده شود، همه درس‌ها هم برای خدا خوانده بشود (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹: ۴۴۸).	نیت الهی در کسب علم	اخلاقیات عالم	اخلاق علم
۴	اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید کرده و مردم را دعوت کرده است. حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را حتی از هر کافری یافتید، آن را بگیرید (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۴: ۳۶۰).	کسب علم، حتی از کافر	ارتباط دانشمندان با دانشمندان سایر کشورها	ارتباطات جامعه علمی

۸-۱-۲. طرح اجمالی دیدگاه امام خمینی (ره)^۱

امام خمینی به شرح احادیث مأثور از نبی اکرم و ائمه هدی (ع) در موضوعات مختلف و از جمله علم پرداخته‌اند. یکی از مفاهیمی که از این احادیث اخذ کرده‌اند، مفهوم علم نافع است. علم نافع در اندیشه ایشان مفهومی سیال است که مصادیق اصلی آن سه علم «عقاید»، «اخلاق» و «فقه» است، ولی سایر علوم و از جمله علوم دنیایی نیز اگر به قصد مطالعه آیتی بر ذات قدس ربوبی، دست‌یافتن به صفات الهی-انسانی و جست‌وجوی افعال مقرب الهی پیگیری شوند، مصداق آن خواهند بود. ایشان به همین خاطر دانشگاهیان را نیز به جنبه الوهیت علوم طبیعی و تجربی توجه می‌دهند و می‌گویند آنچه اسلام از عالمان می‌خواهد، برگرداندن همه علوم به جنبه الوهیتشان است.

امام خمینی تأکید می‌کند علم می‌تواند به حجاب بزرگی تبدیل شود و جلوی رشد آدمی را بگیرد؛ بنابراین آدمی باید همواره به جنبه مقدماتی علم توجه داشته باشد و هیچ‌گاه علم را نه به‌عنوان هدف که به‌عنوان مقدمه در نظر داشته باشد و علم را وسیله‌ای برای تقرب به خدا پی بگیرد و به رسالت خویش عمل کند. همچنین باید توجه داشت یکی از موضوعات مورد تأکید و بسیار پرتکرار در کلام امام خمینی که به مناسبت‌های مختلف و در جمع اصناف مختلفی از طلاب و علمای حوزه علمیه گرفته تا مدیران و معلمان آموزش و پرورش به آن اشاره کرده‌اند، این است که علم باید در کنار تهذیب نفس باشد و گرنه نه تنها سودی ندارد، مضر نیز هست؛ بنابراین علم‌آموزی همواره باید در کنار تهذیب نفس قرار بگیرد تا نفع ببخشد و رسالتی را که برعهده عالمان است، محقق کند.

رسالتی که حضرت امام خمینی برای علم به معنای دانشگاهی آن مطرح می‌کنند، خودکفایی و استقلال است؛ به‌طوری که عمده بیانات و اشارات ایشان در این زمینه، هم به‌لحاظ کمی و هم به‌لحاظ کیفی به این مفهوم مربوط است. ایشان ریشه عقب‌ماندگی ملت ایران را در غرب‌زدگی عده‌ای از نخبگان - که دانشگاهی نیز بودند - می‌دانند و معتقدند چنانچه دانشگاه که مرکز تربیت نخبگان علمی است، از وابستگی فکری به شرق و غرب رهایی یابد، می‌تواند مرکزی برای خدمت به خود ملت باشد. ایشان رسالت اصلی عالمان را خودکفایی کشور در زمینه‌های مختلف فکری، هویتی، اقتصادی و سیاسی می‌دانند تا افراد تربیت‌شده داخلی بتوانند زمام امور

۱. برای حفظ اختصار مقاله، ناگزیر طرحی اجمالی از دیدگاه متفکر و مؤلفه‌های نظری ایشان در مقاله خواهد آمد.

تخصصی کشور را در دست بگیرند و کشوری مستقل بسازند. امام خمینی حتی هنگامی که مفهوم «دانشگاه اسلامی» را مطرح می‌کند، به استقلال فکری دانشگاه از مکاتب فکری غرب و شرق اشاره می‌کند و می‌فرماید مقصود از دانشگاه اسلامی این است که انسان‌ها تربیت صحیح شوند و به شرق و غرب وابسته نباشند.

جدول ۳. مؤلفه‌های نظری صورت‌بندی علم از منظر امام خمینی رحمة الله علیه

ردیف	بعد	مؤلفه‌ها
۱	ماهیت علم	کشف واقع
		علم حصولی: حضور صورت شیء نزد شیء دیگر
		علم حضوری: حضور شیء نزد شیء دیگر
۲	مقام علم	تجرد علم از ماده
		فطری بودن علم‌طلبی
		نشان دادن مسیر سعادت
		بی‌انتهایی علم‌آموزی
		اعظم فضائل
۳	نسبت علم و دین	ارزش‌گیری علم
		تمایز علم و ایمان
		هماهنگی علم و دین
		جانشین‌ناپذیری علم و دین
۴	ماهیت علم دینی	لزوم پیوند و پیوستگی حوزه و دانشگاه
		تقسیم کلی علم به دنیایی و اخروی
		علم نافع
۵	نسبت علم و جنسیت	دخالیت نیت و قصد در منفعت‌داشتن علم
		جنسیت‌بردار نبودن تحصیل علم
۶	غایت علم	استقلال فکری و هویتی
		خودکفایی و استقلال در اداره جامعه
۷	اخلاق عالم	خودکفایی علمی
		نیت الهی در کسب علم
		تهذیب در کنار تحصیل علم
۸	رسالت اخلاقی عالم	تربیت اسلامی نسل جوان
		آگاهی‌بخشی به جامعه و روشن‌گری
		اسلامی کردن دانشگاه
۹	ارتباطات علم	جلوگیری از نفوذ عناصر منحرف
		بی‌مکانی علم و استفاده حداکثری از دانشمندان کشورهای مختلف

۸-۲. صورت‌بندی دیدگاه شهید مطهری رحمة الله علیه در باب علم

۸-۲-۱. مراحل طی شده

برای یافتن مطالب مرتبط با موضوع علم، تک‌تک عناوین داخل‌متنی همه آثار ایشان مرور شد و مطالب مرتبط با این موضوع به‌عنوان فیش‌های پژوهش ثبت می‌شد تا پس از مطالعه کامل مطلب، ارتباط داشتن یا نداشتن آن بررسی شود. این راهبرد برای شناسایی

مطالب مرتبط در مقایسه با راهبرد کلیدواژه‌ای این مزیت را دارد که چنانچه یک مطلب با عناوین و محتوایی که حاوی آن کلیدواژه‌ها نباشد، عنوان شده باشد، باز هم از میدان دید پژوهشگر دور نمی‌ماند.^۱

۸-۲-۲. طرح اجمالی دیدگاه شهید مطهری رحمه‌الله‌علیه

شهید مطهری معتقد است، تعریف فلسفی علم «حضور صورت شیء نزد عقل» است که به کشف واقع منجر می‌شود. واقعیت را از منابع و با ابزارهای مختلفی می‌توان شناخت. طبیعت، تاریخ، عقل و دل منابع شناخت هستند که به ترتیب با ابزار حواس، مطالعه، استدلال و تهذیب نفس شناسایی می‌شوند. فلسفه و ریاضیات که از راه قیاس توسعه می‌یابند، یقینی هستند و ارزش نظری دارند. اما علوم تجربی که یقینی نیستند، ارزش عملی دارند و بشر علوم تجربی را به‌خاطر فایده عملی که در عرصه ابداع و صنعت دارند، دنبال می‌کند. همچنین انسان در عرصه اجتماعی به‌واسطه نیازهایی که دارد، به سراغ اعتباریات می‌رود و علوم اعتباری مانند علوم انسانی را منطبق با غایت‌مندی دنبال می‌کند؛ بنابراین عملاً با سه دسته علم مواجه هستیم که ماهیت یکسانی ندارند. شهید مطهری معتقد است علم و قدرت توأمان هستند و این علم است که ریشه قدرت واقعی است. از این‌رو، غایت علم قوی‌شدن است و مؤمنان برای اینکه جامعه‌ای قوی، مستقل و عزت‌مند داشته باشند، لازم است علم نافع را به‌صورت حداکثری دنبال کنند؛ یعنی علمی که به رفع نیازها و مسائل جامعه می‌پردازد و کسب آن فریضه است.

شهید مطهری درباره مداخله دولت در نهاد علم، اتکای عالمان به طبقه قدرت را مانع از استقلال و حریت آن‌ها می‌دانند و معتقدند جامعه علمی باید مناسبات خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که به طبقه قدرت وابسته نباشد. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد ایشان به استقلال نهاد علم قائل هستند. ایشان درباره نحوه تأمین مالی علم، یکی از وجوه ممتاز عالمان شیعه را استقلال مالی آن‌ها می‌دانند. باور مطهری به ارزشمندی و شرافت علم موجب شد که نگاه ایشان به اقتصاد و تأمین مالی علم بازاری نباشد. از آنجا که علم موجودیتی شریف است، تأمین مالی فعالیت‌های علمی باید نه از طریق سازوکار عرضه و تقاضا که از راه بودجه عمومی و بیت‌المال انجام شود. البته این به معنای دولتی‌شدن نهاد علم نیست، بلکه به معنای بازاری‌نشدن آن است؛ زیرا امکان تأمین مالی علم از راه وقف، هبه و... نیز در این نگاه وجود دارد.

مطهری با استناد به آموزه‌های اسلامی، تحصیل علم را نه‌تنها صرفاً حق یک جنس خاص نمی‌داند، معتقد است زن و مرد مکلف هستند تا علم نافع را تحصیل کنند. ایشان همچنین با طرح احادیث مربوط به ارتباطات علمی، این گزاره را مطرح می‌کنند که علم از نظر اسلام بی‌جا و بی‌مکان است، پس باید آن را در جوامع علمی مختلف دنبال کرد. درنهایت درباره اخلاق عالم، همان باور به شرافتمندی علم موجب می‌شود ایشان اول نگاه کسب و کاری به علم را مذموم و غیراخلاقی بدانند. دوم اینکه دانشمندان در رابطه با اصحاب قدرت باید تلاش کنند علم، آزاد بماند و بازیچه قدرت‌رانی آن‌ها نشود. سوم اینکه این موهبت شریف را در مسیر سعادت و در راه خیر به کار ببرند.

۱. جدول تحلیل مضمون داده‌های دیدگاه شهید مطهری در باب علم برای حفظ اختصار مقاله آورده نشد.

جدول ۴. مؤلفه‌های نظری صورت‌بندی علم از منظر شهید مطهری رحمة الله علیه

ردیف	بعد	مؤلفه‌ها
۱	ماهیت علم	غیرمادی بودن علم شناخت مطابق با واقع طبیعت با ابزار حواس
۲	منابع و ابزارهای علم	تاریخ با ابزار مطالعه عقل با ابزار استدلال دل با ابزار تهذیب نفس
۳	ماهیت رشته‌های علمی	فلسفه و ریاضیات: علوم یقینی علوم تجربی و علوم انسانی: علوم غیریقینی
۴	مقام علم	ارزش و قداست ذاتی علم
۵	نسبت علم و قدرت	قدرت بودن علم
۶	نسبت علم و دین	هماهنگی علم و دین رد تناقض علم و دین زیان‌باری تفکیک علم و ایمان جانشین‌ناپذیری علم و ایمان جهت‌دهی دین و روشنائی بخشی علم
۷	جایگاه علوم تجربی در هندسه معرفت دینی	دعوت اسلام به تحقیق در طبیعت
۸	ماهیت علم دینی	یکسانی علم نافع و علم دینی سیالیت علم نافع در پرتو احتیاجات جامعه
۹	نسبت علم و جنسیت	جنسیت‌بردار نبودن تحصیل علم
۱۰	رسالت و اهداف علم	استقلال و عزت جامعه مسلمانان قدرت جامعه مسلمانان
۱۱	سیاست علم	استقلال نهاد علم از نهاد قدرت (دولت)
۱۲	اقتصاد و نحوه تأمین مالی علم	تأمین مالی از بودجه عمومی و بیت‌المال مذمت نگاه کسب‌وکاری به علم
۱۳	اخلاق علم	استعمال علم در راستای اهداف خیر تلاش برای آزادماندن علم
۱۴	ارتباطات علم	بی‌مکانی علم و استفاده حداکثری از دانشمندان کشورهای مختلف

۸-۳. صورت‌بندی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای حفظه الله درباره علم

۸-۳-۱. مراحل طی شده

رهبر انقلاب به دلیل قرارگرفتن در موقعیت رهبری جمهوری اسلامی ایران و ضرورت پرداخت به مقوله راهبردی علم برای کشور، به تناسب موقعیت و شرایط به بیان دیدگاه‌ها، مسائل، راهبردها و راهکارهای حوزه علم پرداخته‌اند؛ به طوری که دیدگاه ایشان درباره علم در مقایسه با اندیشمندان قبلی بسیار مفصل‌تر است. مجموعه این مطالب و گاه مطالب منتشر نشده درباره علم از بیانات معظم‌له، در کتاب *روشنائی علم* به صورت تفصیلی گنجانده شده است. از این‌رو، منبع اصلی برای صورت‌بندی اندیشه رهبر انقلاب، مرور و مراجعه

مکرر به این کتاب است. در کنار این منبع، نرم‌افزار «حدیث ولایت» نیز که دربرگیرنده همه بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب است، با کلیدواژه «علم» بررسی شد و درنهایت مطالب به‌دست‌آمده نیز با روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.^۱

۸-۳-۲. طرح اجمالی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله‌تعالی

از میان مفاهیم متعددی که در صورت‌بندی علم از منظر رهبر انقلاب به‌کار رفته، چند مفهوم پرتکرار و همیشگی وجود دارد. اولین مفهوم پرتکرار در کلام رهبر انقلاب که بیشتر از ۱۴ بار به مناسبت‌های مختلف در کلام ایشان تکرار شده است، حدیث مشهور «العلم سلطان» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۱۹) است که ماهیت علم را با اقتدار مساوی می‌داند. این عبارت ضمن بر ملاکردن ذات علم، به غایت علم نیز اشاره می‌کند. علم از منظر رهبر انقلاب از این جهت باید دنبال شود که اقتدار ملی را برای یک ملت به ارمغان می‌آورد. این اقتدار نیز از این جنبه باید به‌صورت حداکثری محقق شود که پایان‌بخش تخصص‌های دشمنان خواهد بود. علاوه‌براین، اقتدار ملی به‌خصوص در عرصه بین‌المللی زمینه نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم می‌کند. نکته مفهومی مهم دیگر در باب علم این است که فعالیت علمی باید تا جایی ادامه پیدا کند که به اقتدار و تحقق حداکثری آن برای جامعه منجر شود. به همین سبب علم صرفاً محدود به مرحله کاوش‌های علمی نیست، بلکه زنجیره‌ای است که از کاوش مسئله تا تولید قدرت ادامه پیدا می‌کند.

یکی دیگر از مفاهیم پرتکرار در کلام رهبر انقلاب، مفهوم «نوآوری و تولید علم» است. ایشان بر نوآوری علمی و تولید علم تأکید زیادی دارند؛ به‌گونه‌ای که اصطلاح «تولید علم» از جانب ایشان ارائه شد و امروزه مصطلح شده است. تأکید زیاد بر این مفهوم به‌خاطر نقش سازنده و پررنگی است که اول در جبران عقب‌ماندگی گذشته ملت ایران و دوم در پیشسازی علمی ایفا می‌کند. از منظر رهبر انقلاب، پیشسازی در نوآوری و تولید علم می‌تواند جامعه را به ثروت، رفاه، استقلال، اقتدار و عزت برساند. به همین دلیل، مقوله علم برای هر جامعه‌ای یک مقوله استراتژیک است و تلاش برای کم‌اهمیت‌نشان دادن آن یا مشغول کردن مراکز علمی به مشغولیت‌های غیرعلمی از ابزارهای دشمن است.

محوری بودن مفهوم نوآوری علمی در صورت‌بندی اسلامی موجب شد سایر مقوله‌های آن نیز صبغه نوآوری علمی پیدا کنند؛ برای مثال، ارتباطات علمی در این صورت‌بندی کاملاً در خدمت نوآوری علمی و استفاده از ظرفیت ارتباطات برای فراگیری حداکثری علم و جذب یافته‌های علمی نخبگان است. علاوه‌براین، در مقوله اخلاق علمی نیز دقیقاً بر خلقیاتی تأکید شده است که زمینه نوآوری علمی هستند، مانند روح حقیقت‌گرایی، جرئت و جسارت علمی، خطرپذیری و کار سخت.

جدول ۵. مؤلفه‌های نظری صورت‌بندی علم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی

مؤلفه‌ها	بعد	ردیف
معرفتی یافتنی و اکتشافی اقتدار	ماهیت علم	۱
زنجیره‌بودن علم نافع نیازمحوربودن علم نافع	علم نافع	۲
ارزش و قداست ذاتی علم ارزش نسبی‌داشتن علم و صنعت ارزشمندی همه علوم	مقام علم	۳

۱. جدول تحلیل مضمون داده‌های دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در باب علم، برای حفظ اختصار مقاله آورده نشد.

ردیف	بهد	مؤلفه‌ها
۴	نسبت علم و قدرت	قدرت‌بودن علم
		علم، پایه همه قدرت‌ها
۵	نسبت علم و دین	رد تضاد علم و دین
		همراهی علم و دین
		روآوردن حوزه و دانشگاه به یکدیگر
		ایمان، جهت‌دهنده علم
۶	نسبت علم و جنسیت	ناکافی‌بودن علم برای سعادت بشر
		جنسیت‌بردار نبودن تحصیل علم
۷	ماهیت علم دینی	تأثیر جهان‌بینی در علوم انسانی
		مبانی و جهان‌بینی نادرست علوم انسانی موجود
		نظریه‌پردازی مبتنی بر جهان‌بینی دینی
۸	رسالت و اهداف علم	اقتدار ملی
		استقلال کشور
		عزت و مرجعیت علمی
۹	رسالت علم در شاخه‌های مختلف	پرداخت اکید به علوم پایه
		نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی
		تبدیل علم به فناوری و صنعت
		اعتلای دانش پزشکی و نوآوری در آن
۱۰	اقتصاد و نحوه تأمین مالی علم	سرمایه‌گذاری دولتی
		افزایش مشارکت‌بخش غیردولتی
		ارتقای سهم وقف و امور خیریه
۱۱	حقوق علم	حمایت از مالکیت فکری و معنوی
		پیشبرد توأمان علم و معنویت
۱۲	اخلاقیات عالم	روحیه حقیقت‌گرایی
		اعتماد به نفس
		پیگیری علم برای علم و نه پول
		خطرپذیری و کار سخت
		شکاکیت به جزمیت‌های علمی
		روحیه نوآوری، ابتکار و خلاقیت
۱۳	وظایف اخلاقی عالم	تربیت دینی متعلمان
		شاگردپروری
		پژوهش بر نیازهای جامعه
۱۴	ارتباطات جامعه علمی با جامعه	ارتباط دانشگاه و صنعت
		ارتباط دانشگاه و دستگاه‌های دولتی
۱۵	ارتباطات بین‌المللی علمی	ماهیت داد و ستدی علم
		فراگرفتن دستاوردهای علمی بین‌الملل
		تقویت ارتباط با مراکز علمی دنیا

خوانش جمعی نظریات سه متفکر درباره علم

راهبرد خوانش جمعی: اشتراک عام

پرسش اینجاست که راهبرد خوانش جمعی چیست. به نظر می‌رسد اشتراک و اجتماع نمی‌تواند راهبرد مناسبی باشد؛ زیرا اگر اجتماع اندیشه‌های متفکران به‌عنوان راهبرد در نظر گرفته شود، ممکن است برخی از اجزای نظری صورت‌بندی علم یک متفکر در اندیشه متفکر دیگر مردود باشد. در نتیجه اجتماع اندیشه‌ها نمی‌تواند هویت جمعی و مقبولی را ایجاد کند. از طرف دیگر، توسل به راهبرد اشتراک نیز چندان قابل‌دفاع نیست؛ زیرا نبود یک جزء نظری در صورت‌بندی اندیشه یک متفکر لزوماً به معنای قبول نکردن آن نیست. چه بسا به دلیل قرار نگرفتن در معرض یک پرسش، پاسخی از یک متفکر درباره آن جزء از صورت‌بندی علم ارائه نشده است. اگر پاسخی متکی بر برداشتی صریح و دقیق از منابع اسلامی (مثل تمسک به آیات و روایات) باشد، باز هم مورد قبول آن متفکر قرار خواهد گرفت. از این‌رو، راهبرد اصلی در خوانش جمعی، اشتراک به معنای عام و وسیع کلمه است و در آن، مباحثی از متفکران اسلامی آورده خواهد شد که مشترک است یا محل اختلاف جدی نیست و در بیان متفکر دیگر مسکوت است، اما قابلیت جایابی در اندیشه ایشان را دارد.

منشأ تمایز میان اندیشه‌های متفکران اسلامی

با وجود تشابهات فراوانی که بین اندیشه‌های متفکران اسلامی وجود دارد، هر کدام از متفکران اسلامی هنگامی که درباره علم سخن می‌گویند، نقاط تأکید متفاوت و به برخی مفاهیم پرداخت بیشتری از نظر کمی و کیفی دارد. با وجود اینکه جهان‌بینی و دستگاه فکری-فلسفی آن‌ها یکسان است و آب‌شخور اندیشه‌های‌شان به مبانی فکری اسلامی متصل است، لزوماً اختلاف آن‌ها در اندیشه نیست، بلکه این اختلاف در تأکید و اهمیت و در اقتضائات زمانی زیست هر کدام از این متفکران ریشه دارد.

جدول ۶. نقش اوضاع زمانه زیست متفکر اسلامی بر مفاهیم محوری صورت‌بندی آن‌ها از علم

مفهوم محوری	اوضاع زمانه	مختصات متفکر
استقلال فکری و علمی و زدودن وابستگی فکری از شرق و غرب	مستعمره شدن مسلمانان با وجود فرهنگ غنی اسلامی	امام خمینی رحمه الله علیه
علم نافع و متخصص شدن مسلمانان در همه زمینه های علمی، قوی شدن مسلمانان	عقب‌ماندگی مسلمانان با وجود فرهنگ علم‌طلبی اسلام	شهید مطهری رحمه الله علیه
ماهیت اقتدار آفرین علم، نوآوری و تولید علم، فناوری و قرار گرفتن در صدر کشورهای پیش‌تاز در رشد علمی	مواجهه جمهوری اسلامی با موانع، تحریم‌ها و حربه‌های کشورهای متخاصم	آیت الله خامنه‌ای حفظه الله تعالی

البته نمی‌توان تمام تمایزات موجود در اندیشه متفکران اسلامی را ناشی از تفاوت در موقعیت و اوضاع زمانه دانست، بلکه برخی از این تمایزات ناشی از اختلاف نظر متفکران و برداشتهای متفاوت از متون اسلامی است. به بیان دیگر، با وجود یکسان بودن مبانی و متون اسلامی، تفاوت در برداشتهای و تلقی‌ها است که موجب اختلاف نظرها شده است.

۸-۳. صورت‌بندی سیاست علم

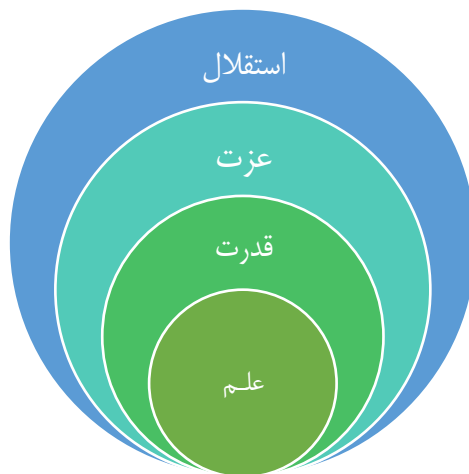
۸-۳-۱. مبانی کسب علم

اندیشمندان و متفکران اسلام‌شناس وقتی می‌خواهند ادله و مبانی لزوم کسب حداکثری علم مرسوم دانشگاهی را برای جامعه مؤمنان بیان کنند، به چند آیه از آیات قرآن کریم استناد می‌کنند. بررسی این آیات ضمن نشان‌دادن مبانی، فهم دقیقی از علم را در اختیار ما قرار می‌دهد.

شهید مطهری با استناد به آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (سوره نساء، آیه ۱۴۱) که می‌فرماید: «خدا برای کافران راهی بر مؤمنین قرار نداده است» بیان می‌کند: «اسلام نمی‌پسندد یک ملت مسلمان همیشه دست در یوزگی به سوی یک ملت دیگر به عنوان قرض یا کمک بلاعوض دراز کند. اسلام نمی‌پسندد جامعه اسلامی استقلال اقتصادی یا اجتماعی نداشته باشد» (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷۷). ایشان با استناد به همین آیه شریفه معتقد است جامعه اسلامی باید دارای حدی از استقلال اقتصادی و اجتماعی باشد که خود به اندازه کافی طیب و وسایل داشته باشد تا بتواند نیازهایش را برآورده کند (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷۷). مطابق این استدلال، علم عامل استقلال اقتصادی و اجتماعی است.

شهید مطهری در پاسخ به این سؤال که اسلام چگونه جامعه‌ای می‌خواهد، می‌گوید واضح است اسلام جامعه‌ای می‌خواهد که عزیز، مستقل و متکی به خود باشد. اسلام نمی‌پسندد یک ملت مسلمان، زبردست و توسری‌خور ملتی غیرمسلمان باشد. ایشان علم را پایه دستیابی به عزت و جامعه‌ای عزیز معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷۷). آیت‌الله خامنه‌ای نیز با استناد به آیه عزت یعنی آیه شریفه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» عزت، مخصوص خدا، رسول او و مؤمنان است، ولی منافقان نمی‌دانند (سوره منافقون، آیه ۸). گلایه می‌کنند چرا با وجود چنین آموزه اسلامی، امت اسلامی در علم عقب است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). این بیان نیز به‌طور ضمنی، علم را زمینه‌ساز عزت معرفی می‌کند.

آیه اعداد قدرت «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» و برای (مقابله) آن‌ها هر آنچه از قدرت و از اسب‌های ورزیده می‌توانید، آماده کنید تا به‌وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید» (سوره انفال، آیه ۶۰) نیز جزئی از آیاتی است که وقتی اندیشمندان اسلام‌شناس می‌خواهند برای مومنان ضرورت کسب حداکثری علم را تبیین کنند، به آن استناد می‌کنند. شهید مطهری می‌فرماید: «تهیه قوت به‌خودی‌خود که انجام نمی‌شود. با بیلبرداشتن که قوه به دست نمی‌آید. قوه به‌دست‌آوردن راه دارد، راهش هم علم است» (مطهری، ۱۳۹۱: ۲۶). آیت‌الله خامنه‌ای نیز معتقد است: «همه حرکت موفق مجموعه‌های گوناگون بشری ابتدائاً در سایه علم انجام گرفته، در سایه علم است که به قدرت، به ثروت، به اقتدار بین‌المللی، به عزت دست پیدا می‌کنند. این همه هم که در اسلام روی علم تکیه شده، به‌خاطر این است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ ب).



نمودار ۲. نقش محوری علم در دستیابی به قدرت، عزت و استقلال

مجموع آیات فوق نشان می‌دهد اقتداری که علم برای جامعه می‌آورد، صرفاً برای قوی‌شدن نیست، بلکه قوی‌شدن مقدمه لازم برای استقلال و عزت است؛ به طوری که بدون این اقتدار، تحقق استقلال و عزت امکان‌پذیر نیست. استقلال و عزت نیز از این جنبه مهم است که مقدمه تحقق سایر اهداف اجتماعی اسلام همچون اجرای عدالت و به کمال‌رساندن انسان‌ها است.

۸-۳-۲. تبیین مختصات علم

۸-۳-۲-۱. علم، اقتدار است

حدیث علوی «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۱۹) علم را برابر با سلطه و برتری می‌داند که هرکس آن را یافت، با آن غالب شود و هرکس آن را نیابد، مغلوب شود. علم از این جهت ارزشمند و پراهمیت است که به دارنده خود اقتدار می‌بخشد و او را از موضع ضعف خارج می‌کند.

مرتضی مطهری با استناد به آیه قرآنی «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» (سوره نمل، آیه ۴۰) - که درباره فردی است که توانست یک عمل خارق‌العاده انجام دهد- از لفظ «علم» به کاررفته در این آیه شریفه، این‌گونه استنباط می‌کند که علم نوعی قدرت است. ایشان همچنین می‌گویند آنجا که خداوند متعال می‌خواهد به علم اشاره کند، آیه شریفه «عَلَّمَ شَدِيدُ الْقُوَى» (سوره نجم، آیه ۵) را که موضوع قدرت است، بیان می‌کند؛ بنابراین علم می‌تواند قدرت و توانایی به بار آورد (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

اگرچه ظهور اولیه «سلطه» اقتدار در روابط اجتماعی است، مفهومی عام دارد که در فردیت انسان نیز معنا دارد. انسان اگر در ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت نداند جایگاهش در گستره خلقت چیست و اخلاق و صفات حسنه و رذیله چه هستند و چگونه حاصل یا زایل می‌شوند یا اگر نداند افعال حسنه و سیئه چه هستند و به چه نحو باید انجام یا ترک شوند، مغلوب افکار سست و وسوسه‌های اغواکننده خواهد شد و حیات خویش را که عرصه تبدیل استعدادها به فعلیت‌ها است، از دست خواهد داد. به همین خاطر، علم دین و به تعبیر امام خمینی علوم شریعت، مطابق با احتیاجات بشر و مقامات ثلاثه انسانی به سه قسم عقاید، اخلاق و فقه منحصر است (خمینی، ۱۳۸۸: ۳۸۹).

۸-۳-۲. زنجیره بودن علم

علم زمانی می‌تواند اقتدارآفرین باشد که نیازهای انسانی را برآورده کند. نیازهای انسانی نیز طیف وسیعی دارند که شامل نیاز به کالاهای اساسی، امنیت، سلامت و احترام است و هرکدام از شاخه‌های علمی، متکفل پاسخ به بخش خاصی از این نیازها هستند. ماهیت علوم پایه و فنی-مهندسی به گونه‌ای است که عمدتاً در صورت تبدیل شدن به فناوری می‌توانند برآورده شدن نیازهای انسانی را تسهیل کنند. به این صورت که علم به فناوری، فناوری به صنعت و صنعت به توسعه کشور وصل شود. پس اگر علم صرفاً به مرحله پژوهش محدود شود، بدون اینکه به فناوری تبدیل شود، نمی‌تواند اقتدارآفرین باشد و از این منظر چنین علمی فایده‌ای ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵ الف). باید زنجیره علم و فناوری تکمیل شود تا علم به اهدافش برسد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶). حال اگر کشوری در تولید مقالات علمی رشد کند و در این زمینه از دیگران سبقت بگیرد، اما به لحاظ میزان تبدیل این مقالات علمی به ابداعات و فناوری توفیقی نداشته باشد، درواقع علم با تمام ابعاد واقعی خود در آن جامعه رشد نکرده است، بلکه بخشی از آن رشد کرده و بخش دیگری از آن رشدنیافته باقی مانده است.

علوم پزشکی و سلامت‌محور نیز که متکفل تأمین نیاز به سلامت انسانی هستند و از این جنبه بسیار اهمیت دارند، درصورتی می‌توانند به برآورده شدن واقعی نیاز به سلامت کمک و اقتدار جامعه را حفظ کنند که اکتشافات جدید علمی به روش‌های درمانی جدید و بهینه‌تر و ابزارها و فناوری‌های جدید تبدیل شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۸). اگر دانشمندان و پژوهشگران حوزه پزشکی یک کشور در مرزهای علم پزشکی فعالیت کنند و به اکتشافات جدید جهانی دست یابند، اما نتوانند آن‌ها را به روش‌های درمانی و ابزارهای جدید تبدیل کنند، عملاً بیماران آن کشور ناچارند برای درمان به متخصصان و مراکز پزشکی خارج از کشور مراجعه کنند و واضح است که این وضعیت، کشور را محتاج و وابسته دیگران نگه می‌دارد.

علوم انسانی و اجتماعی نیز که عهده‌دار تنظیم روابط انسانی در شئون مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی و... است و از این نظر روح دانش محسوب می‌شود، زیرا جهت حرکت یک جامعه را تعیین می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰)، درصورتی می‌تواند برای جامعه مفید باشد که اول مبتنی بر جهان بینی و نظام ارزشی-اسلامی تولید شود و دوم تولیدات علمی این حوزه بتواند به فناوری‌های نرم اجتماعی تبدیل شود، مانند نظریه سیاسی حکمرانی کشور، سازوکارهای نظام مالی و اقتصادی کشور، شاخص‌های پیشرفت، قوانین و مقررات حوزه‌های مختلف اجتماعی، ساختارهای اجتماعی مختلف و... ساخت و پرداخت فناوری‌های نرم اجتماعی می‌تواند به ارتقا یا افول قدرت نرم یک کشور در عرصه ملی و جهانی بینجامد.

۸-۳-۳. ارکان قدرت علمی

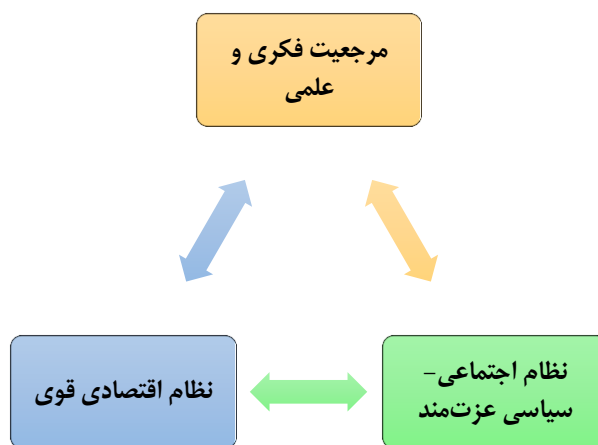
فعالیت‌های زنجیره‌وار علم همگی با هدف توسعه اقتدار جامعه صورت می‌گیرند. اقتدار جامعه نیز در گرو این است که جامعه بتواند نیازهای خود را بدون وابستگی به دیگران و با اتکا به توانمندی‌ها و قدرت درونی خویش برآورده کند. در نتیجه پیوند علم و نیازهای مختلف جامعه انسانی و توان پاسخگویی علم به آن‌ها تعیین‌کننده میزان اقتدار جامعه خواهد بود و نفوذ حداکثری علم به لایه‌های مختلف جامعه می‌تواند تحقق حداکثری اقتدار جامعه را به بار بیاورد.

عرصه اقتصادی اولین و ملموس‌ترین مواجهه جامعه انسانی با دیگر جوامع است که در آن، سرمایه و کالا تبادل می‌شود. عرصه تبادل کالا همواره با نیاز سروکار دارد. انسان یا اجتماع هنگام نیاز به یک کالا حاضر است سرمایه خود را بدهد تا کالای مورد نیاز خود را تأمین کند. در این عرصه دست برتر از آن کسی است که دارنده کالا است و می‌تواند آن را با وجود نیاز طرف مقابل برای خود نگه دارد و دیگری را تحریم کند. اینجا است که علم نقش اساسی را ایفا می‌کند؛ زیرا علم، عامل اصلی تولید به خصوص در عصر حاضر

است و تجهیز به آن می‌تواند کالای مورد نیاز را با ویژگی‌های دلخواه تأمین کند. جامعه‌ای که بتواند علم را به ثروت تبدیل و احتیاجات اقتصادی خود را تأمین کند، ضمن دارا بودن اقتصادی مقاوم، قدرت اقتصادی نیز به‌شمار می‌رود؛ بنابراین یکی از وجوه اصلی قدرت و ضعف جامعه عرصه اقتصاد است که میزان تجهیز به علم، عاملی اصلی و تعیین‌کننده در تحقق اقتدار آن است. قدرت اقتصادی نیز زمینه استقلال و عزت اقتصادی را فراهم می‌کند و جامعه اسلامی جامعه‌ای است که تراز بالایی از استقلال و عزت را داشته باشد و در مقابل دیگران و به‌خصوص کفار ذلیل نباشد.

از طرفی دیگر، ممکن است جامعه‌ای به لحاظ اقتصادی قوی و مقاوم، اما همچنان در برخی از عرصه‌های دیگر حیات خود وابسته باشد. از جمله این عرصه‌ها حاکمیت ملی، نگاه‌داشت تمامیت ارضی، عرصه امنیت داخلی و خارجی و ارائه خدمات تخصصی همچون خدمات سلامت و پزشکی است که مجموع این عرصه‌ها را می‌توان نظام اجتماعی-سیاسی در نظر گرفت. در واقع مجموعه‌ای از عواملی که یک نظام اجتماعی قوی را می‌سازد، از سلامت و امنیت ذیل نظام اجتماعی-سیاسی تعریف می‌شود.

نظام اقتصادی و نظام اجتماعی یک جامعه نیز زمانی می‌تواند قوام و استحکام لازم را داشته باشد که دائم بازتولید و به‌روز نگه داشته شود و به عبارتی پایدار باشد تا آن جامعه بتواند علم و اندیشه خود را نیز مستقل از داشته‌ها و دستاوردهای دیگران و بدون وابستگی به آن‌ها به‌دست بیاورد و در تولید و توسعه علم و تبدیل آن به فناوری پیشرو باشد. در مقابل، اگر یک نظام اقتصادی و نظام اجتماعی دانش‌بنیان نتواند خود را مبتنی بر علم بازتولید کند، نمی‌تواند قوی و مقاوم باقی بماند؛ بنابراین رکن دیگری از علم اقتدارآور، قدرت و عزت علمی است که از آن به مرجعیت علمی تعبیر می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۷ ج). امام خمینی نیز از این قدرت و استقلال علمی با عنوان «خودکفایی علمی» یاد کرده‌اند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۸).



نمودار ۳. ارکان اصلی نظریه اسلامی علم

این ابعاد مبتنی بر بسط مفهومی علم در حیات اجتماعی و شمول حداکثری آن شناسایی شده‌اند؛ به طوری که بررسی مثال‌های متفکران اسلامی درباره اقتدارآفرینی علم در جامعه همچون رفع نیازهای بهداشتی - سلامتی، کشاورزی اصولی، تجارت و سیاستمداری عالمانه (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۷۷)، تولید ثروت از قیل علم، بی‌نیازی به منابع تجدیدنپذیر (خامنه‌ای، ۱۳۸۷) و... عملاً ذیل یکی از این ارکان قرار می‌گیرد. علاوه بر این، ابعاد مذکور از چنان جامعیتی برخوردارند که مسائل اجتماعی مختلف را دربرمی‌گیرند.

۸-۳-۴. نسبت علم و جنسیت

حدیث مشهور «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷) موجب شد متفکران اسلامی متفق‌القول باشند که طلب علم به جنسیت خاصی اختصاص ندارد. به تعبیر امام خمینی «خداوند متعال از طریق نبی مکرم، طلب علم را بر هر مسلمان چه مرد و چه زن واجب کرده است». ایشان حدیث مذکور را نشانگر اهمیت علم در رسیدن به سعادت انسانی فارغ از جنسیت می‌دانند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۴۵۲).

۸-۳-۵. اقتصاد و نحوه تأمین مالی علم

شهید مطهری مدعی است از نظر اسلام تعلیم و تربیت یک فعالیت کسب‌وکاری نیست و معتقد است شرافت ذاتی برخی از فعالیت‌ها همچون قضاوت و تعلیم و تربیت در اسلام به سبب آن است که از بودجه عمومی و بیت‌المال تأمین مالی شود (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۲۳). آیت‌الله خامنه‌ای نیز در باب علوم پایه چندین بار تذکر داده‌اند این علوم نیازمند سرمایه‌گذاری دولتی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸ الف)؛ یعنی حداقل لازم است دولت در بخش‌هایی از علم، تأمین مالی را خودش مستقیم انجام بدهد. البته در کنار این موارد، در سیاست‌های علم و فناوری بر ارتقای مشارکت بخش غیردولتی و سهم وقف و امور خیریه در حوزه علم و فناوری تأکید شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳ ب).

۸-۳-۶. اخلاق علم

۸-۳-۶-۱. اخلاق عالم

«نداشتن نگاه کسب‌وکاری به علم» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶: ۱۲۵) و به تعبیر دیگر «پیگیری علم برای علم نه پول» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲)، از جمله خلیات توصیه‌شده اسلام برای عالمان است. عشق به علم و حریص بودن برای کشفیات جدید، مانع از آن است که عالمان برای پول و دست‌یافتن به ثروت‌های آن‌چنانی سراغ علم بروند؛ بنابراین انگیزه اصیل در پیگیری علم، علاقه به یافته‌ها و کشفیات جدید است. البته اسلام، انگیزه علم‌طلبی را متعالی‌تر کرد و توصیه می‌کند عالمان، علم را برای خدا دنبال کنند تا در نبرد انگیزه‌ها این قصد و نیت الهی باشد که پیش‌برنده علم و معرفت باشد. علاوه بر تحصیل علوم موجود، اشتیاق به نوآوری و توسعه علم آن خلق پسندیده‌ای است که هیچ‌گاه اکتفای آدمی به یافته‌های موجود را بر نمی‌تابد و دائم به دنبال یافته‌ها و کشفیات جدید است؛ بنابراین «روحیه نوآوری، ابتکار و خلاقیت» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴) را باید به عنوان یک خلق لازم برای عالمان در نظر داشت. زیرساخت اخلاقی روحیه نوآوری، «اعتماد به نفس» و داشتن «جرت علمی» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹) است که به «شکاکیت نسبت به جزمیت‌های علمی» (همان) منجر خواهد شد و جزمی‌گرایی علمی را که به طور جدی مانع از نوآوری علمی و نظریه‌پردازی‌های نو است، از میان برمی‌دارد. پژوهشگران برای تحقق حداکثری روحیه نوآوری لازم است «خطرپذیری و کار سخت» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵ ب) را به عنوان روح حاکم بر فعالیت‌های علمی خود بپذیرند.

۸-۳-۶-۲. رسالت اخلاقی عالم

«پیشبرد توأمان علم و اخلاق» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰) و به تعبیر دیگر تحصیل علم در کنار تهذیب نفس (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۴۱۲)، اصیل‌ترین رسالت اخلاقی عالمان و پژوهشگران است. مبدأ سعادت و شقاوت بودن دانشگاه (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۶۴) به معنای نقش مهم عالمان در تعیین سرنوشت انسان و جامعه انسانی است.

توأم بودن علم و اخلاق در وجود عالمان موجب «استعمال علم در راستای اهداف خیر» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۵) و آزاد شدن علم می‌شود تا علم و فرآورده‌های علمی از قید چنگال ظالمان و قدرتمداران بی‌قید آزاد شود. «جلوگیری از نفوذ عناصر منحرف» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸: ۸۴) در مراکز علمی و دانشگاه‌ها مصداق روشنی از تلاش برای اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها و آزادماندن علم از چنگال ظلم است.

از دیگر شئون اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها «تربیت دینی نسل جوان و متعلمان» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۴۷۷) است که با عنوان دانشجو در دانشگاه‌ها به آموزش و پژوهش مشغول هستند. همچنین آنچه عالمان را از دیگر مردمان متمایز می‌کند، عالم‌بودن و آگاه‌بودن است. ارتباط دانشمندان با بدنه عمومی جامعه فرصتی برای «آگاهی‌بخشی به جامعه» است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۱۲).

۸-۳-۷. ارتباطات علم

ارتباط جامعه علمی با صنعت و جامعه در اندیشه متفکران اسلامی موضوعی است که گاه از باب اخلاق علم (آگاهی‌بخشی به جامعه) و گاهی از باب اثربخشی توصیه شده است. تأکید مکرر بر «ارتباط صنعت و دانشگاه» که به پشتیبانی و هم‌افزایی این دو نهاد منجر می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۹) و «ارتباط دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی» که به معنای همکاری علم و عمل است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷)، نشانه اهمیت این موضوع در اندیشه متفکران است.

حدیث مشهور نبوی «اطلبوا العلم ولو بالصین» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷)، سنگ‌بنای اصلی ارتباطات علمی را میان باورهای مسلمانان گذاشته است. از این‌رو، استفاده حداکثری از ظرفیت فراگیری علمی در بستر ارتباطات باید مدنظر قرار بگیرد. «توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید»، «اهتمام بر انتقال فناوری»، «استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته» و «جذب نتایج پژوهش‌های محققان و نخبگان علمی سایر کشورها» که جزئی از سیاست‌های علم و فناوری هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۳)، همگی در بستر ارتباطات محقق می‌شوند.

۹. نتیجه‌گیری

متفکران اسلام‌شناس در پرداخت به موضوع علم به دلیل فرارگرفتن در موقعیت‌های اجتماعی مختلف، گاه نقاط تأکید گوناگونی دارند و گاه به برخی از مؤلفه‌ها پرداخته‌اند که دیگر متفکران به آن‌ها نپرداخته‌اند. برخی از مؤلفه‌های صورت‌بندی علم مانند حقوق، مالکیت علمی و میزان مداخله دولت در علم به دلیل اختلافی بودن یا مشخص نبودن موضع برخی از متفکران، امکان خوانش جمعی ندارند، اما نقاط اشتراک متفکران اسلامی بسیار زیاد است. ارائه تلقی معرفت‌شناسانه یکسان از علم، اهمیت‌دادن به آن و ذومراتب‌دانستنش، تأکید بر استقلال، خودکفایی و اقتدارآفرینی علم به‌عنوان غایت علم در جامعه دینی که به ترسیم «مرجعیت فکری و علمی»، «نظام اقتصادی قوی» و «نظام سیاسی-اجتماعی عزتمند» به‌عنوان ابعاد علم در حیات اجتماعی منجر می‌شود. جنسیت‌بردار نبودن تحصیل علم، شریف‌دانستن علم و واگذار نکردن کامل آن به مناسبات بازار، مسئول‌دانستن حکومت دینی در قبال علم، تأکید جدی بر اخلاق علم، پیشبرد توأمان تهذیب و تحصیل و درنهایت قائل شدن به ارتباطات حداکثری در مراودات علمی و بی‌مکان‌دانستن علم از جمله مفاهیم و نقاط اشتراک میان متفکران است که نظریه اسلامی-ایرانی علم را به‌وجود آورده است.

۱۰. منابع

قرآن کریم

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هب‌الله (۱۴۰۴ ق). *شرح نهج‌البلاغه*. جلد بیستم. قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰). بیانات در دیدار گروهی از خانواده‌های شهید، جانبازان، اقدار مختلف مردم و جمعی از مسئولان. ۱۳۷۰/۰۸/۰۱. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۷۲). بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان علوم. ۱۳۷۲/۰۸/۲۴. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۷۷). بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌های سراسر کشور. ۱۳۷۷/۰۹/۰۹. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۷۸). بیانات در دیدار دسته‌جمعی دوشنبه‌ها، دیدار با رئیس، مسئول نهاد نمایندگی ولی‌فقیه و گروهی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ۱۳۷۸/۰۷/۲۶. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۷۹). بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر. ۱۳۷۹/۱۲/۹. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۸۴). بیانات در دیدار با کارکنان مجتمع مس سرچشمه. ۱۳۸۴/۱۲/۱۸. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۸۵ الف). بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی. ۱۳۸۵/۰۱/۰۱. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۸۵ ب). بیانات در دیدار با نخبگان جوان. ۱۳۸۵/۰۶/۲۵. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۸۶). بیانات در دیدار نخبگان جوان. ۱۳۸۶/۰۶/۱۲. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۸۸). بیانات در دیدار جمعی از قاریان. ۱۳۸۸/۰۵/۰۳. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۸۹). بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودرو. ۱۳۸۹/۰۱/۰۹. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۹۰). بیانات در جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی. ۱۳۹۰/۰۷/۱۳. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۹۳). سیاست‌های کلی علم و فناوری. ۱۳۹۳/۰۶/۲۹. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۹۸ الف). بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها در بیست‌وسومین روز از ماه مبارک رمضان. ۱۳۹۸/۰۳/۰۸. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- _____ (۱۳۹۸ ب). بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع). ۱۳۹۸/۰۷/۲۱. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir>
- ثقفی، سیدمحمد (۱۳۸۰). علم و اندیشه در تمدن اسلامی. *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ۵(۲)، ۳۲-۴۱. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵). *فلسفه‌های مضاف*. جلد اول. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸). *چهل حدیث*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. جلد‌های ۱، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۱۹. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۹۲). *تقریرات فلسفه*. جلد اول. مقرر: سید عبدالغنی اردبیلی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دانایی‌فرد، حسن، الوانی، سید مهدی و آذر، عادل (۱۳۹۴). *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: صفار. دوانی، علی (۱۳۴۴). نقش دانشمندان اسلام در سیر علوم و فنون: علم تفسیر. *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ۷(۴)، ۵۱-۵۳. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۲). تاریخ و علل ظهور علم کلام. *کیهان اندیشه*، ۵۰، ۷۵-۷۹.
- سوزنچی، حسین (۱۳۸۹). *معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. قربانی، رحیم (۱۳۸۴). ریشه‌های دینی علم نجوم (بررسی سیستم حرکتی سیارات و ستارگان در اسلام). *فصلنامه ذهن*، ۲۱-۲۲، ۱۰۱-۱۲۴.

- قنبری همایکوه، امیر، فیاض، ایراندخت، ایمانی نائینی، محسن و صالحی، اکبر (۱۳۹۷). نسبت علم و دین در فلسفه ایان باربور و نقد آن از منظر استاد مرتضی مطهری. پژوهش‌های علم و دین، ۱۸، ۴۵-۶۶.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. جلد اول. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). *فلسفه تاریخ*. جلد دوم. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۷۸). *یادداشت‌های استاد مطهری*. جلد ششم. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۱). *اسلام و نیازهای زمان*. جلد اول. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۴). *نبوت*. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۶). *ده گفتار*. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۸). *مسئله شناخت*. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۹). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. جلد اول. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۹۰). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. جلد دوم. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۹۱). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: صدرا.

مفتح، محمد (۱۳۴۲). نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم، فراگیری و تحقیق مسلمانان در علم طب. *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ۵ (۶)، ۴۹-۵۱.

موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۴). *الگوهای کلان تولید علوم انسانی اسلامی در بستر انقلاب اسلامی*. تهران: آفتاب توسعه.

میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۴). *نسبت دین با علم و فناوری: مابانی مفهومی نظریه علم دینی*. قم: تمدن نوین اسلامی.

Delamont, S. (1989). *Knowledgeable women: Structuralism and the reproduction of elites*. London: Routledge.

Jasanoff, S. (ed.) (1997). *Comparative science and technology policy*. Cheltenham: Edward Elgar.

Nasr, S. H. (1968). *Science and civilization in Islam*, Cambridge: Harvard university press.

Polanyi, M., Ziman, J., & Fuller, S. (1962). The republic of science: its political and economic theory *Minerva*, I (1)(1962), 54-73. *Minerva*, 38(1), 1-32.

Rip, A., & Van der Meulen, B. J. R. (1997). The post-modern research system in Barré, R., Gibbons, M; Maddox, J., Martin, B., & Papon, P. (eds.). *Science in Tomorrow's Europe* Paris: Economica International.